

مندائیان معاصر در ایران

حسین خندق آبادی^۱

۱. عضو هیأت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران.





درآمد

با جستجوی ساده در اینترنت ذیل مندائیان با چهره مردانی با ریش بلند و لباسی سرتاسر سفید روبرو می‌شویم که باطنابی در میان مقید شده است. در عکس‌ها، این مردان را به همراه زنان و کودکانی در پوششی سرتاسر سفید معمولاً کنار رودخانه‌ای، یا حوضچه آبی، در حال به جا آوردن مراسمی آیینی مشاهده می‌کنیم. اینان خود را «مندائی» می‌خوانند و در زبان محلی، در ایران و عراق، به آنها «صُبّه» یا «صُبی» می‌گویند، که به کاربرد عنوان «صابئی» درباره آنان اشاره دارد. مندائی نام قوم-کیشی تعمیدی است که آب و غسل نقشی اساسی در اجرای مراسم‌های آیینی آن دارد. از این رو، مندائیان همواره اجتماعات خود را معمولاً در کنار رودخانه شکل داده‌اند. در ایران و عراق که

مندائی را تدوین کرد. این اقدامات راه را برای مطالعات نظام‌مند درباره الاهیات، اسطوره‌شناسی، مناسک و تاریخ صابئین مندائی و عرضه انواع نظریه‌ها درباره آنها فراهم کرد. گام مهم دیگر را ایتل دراور^۳ (معروف به لیدی دراور) در قرن بیستم با ترجمه متون آنها به زبان انگلیسی برداشت. پیش از او د. خولسون^۴، یک جلد از کتاب دوجلدی خود را به جمع‌آوری همه متن‌ها و گزارش‌های مرتبط با صابئین در متون اسلامی اختصاص داده بود. نظریه او که مندائیان را همان صابئین مذکور در قرآن می‌دانست، تا مدت‌ها در بین پژوهشگران پذیرش عمومی داشت.^۵

خاستگاه

محققان عناصر مختلفی از ادیان گوناگون را در کیش صابئین مندائی یافته‌اند؛ از جمله اینکه خط و وام‌واژه‌های گوناگون در زبان آنها را به ریشه‌های اکدی، سومری و به خصوص آرامی رسانده‌اند. در کیهان‌شناسی و اخترشناسی آنان عناصری مشترک با بابلیان باستان یافته‌اند؛ برخی مفاهیم دینی، مانند دوگانگی روشنایی و تاریکی را تا سرچشمه‌های گنوسی دنبال کرده‌اند؛ در گاهشماری دینی و برخی جشن‌های آیینی آنان ردی از کیش‌های زرتشتی و مانوی یافته‌اند؛ برای برخی مناسک دینی، مانند تطهیر و تعمید، تعیین روز مقدس هفته و برخی معجزات و داستان‌های شخصیت‌های مقدس آنان شباهت‌هایی با آنچه در عهدین آمده است دیده‌اند؛ و نظایری میان برخی احکام دینی آنان با احکام اسلامی سراغ گرفته‌اند.^۶

این تأثیرپذیری از ادیان و اقوام مختلف به دلیل تاریخ طولانی کیش صابئین مندائی و مهاجرت‌های آنان در طول تاریخ بوده است. با ترجمه شدن یگانه متن مندائی به نام *خران‌گویشا* که در آن شواهدی تاریخی درباره خاستگاه مندائیان ثبت شده است، پرتوی بر تاریخ و مسیر مهاجرت این قوم کهن انداخته شد. در

محققان عناصر مختلفی از ادیان گوناگون را در کیش صابئین مندائی یافته‌اند.

همواره مهمترین محل حضور مندائیان در جهان به شمار آمده، شهرهای حوالی رودخانه‌هایی چون دجله، فرات، کارون، دز و کرخه از مکان‌های اصلی زیست آنها بوده است.

به‌رغم سابقه کهن کیش صابئین مندائی، تحقیقات درباره آنها تا مدت‌ها به سبب سوءتفاهم مبشران مسیحی از توجه محققان دور مانده بود. از این رو، تحقیقات آکادمیک درباره صابئین مندائی عمر چندان زیادی ندارد. مبشران مسیحی‌ای که در قرن شانزدهم میلادی به سوی ایران و عراق گسیل شده بودند، به سبب اهمیت غسل و تعمید نزد صابئین مندائی و همچنین جایگاه مهم یحیی‌ای تعمیددهنده نزد آنان، آنها را فرقه‌ای مسیحی به شمار آورده بودند و از این رو تا مدت‌ها از آنان با عنوان «مسیحیان قدیس یوحنا/ یحیی» یاد می‌کردند،^۲ تا اینکه سرانجام تقریباً دو قرن بعد، محققان متون اصلی آنها را منتشر کردند، و در قرن نوزدهم، تئودور نولدکه قواعد خط و زبان

۳. Ethel Drower.

۴. D. Chwolson.

۵. برای گزارشی از تحقیقات درباره مندائیان، نک:

M. Yamauchi, Edwin. 1966. "The Present Status of Mandaean Studies", *Journal of Near Eastern Studies*, vol.25, No.2 (Apr., 1966).

۶. See Gündüz, Şinasi. 1994. *The Knowledge of Life: The Origins and Early History of the Mandaeans and Their Relation to the Sabians of the Qur'an and to the Harranians*, Oxford, pp.74-119.

۲. نک: دلاواله، پیتر. ۱۳۸۰. سفرنامه، ترجمه محمود بهفروزی، تهران،

جهان‌شناسی صابئین مندائی عناصر مهمی از جهان‌شناسی گنوسی را در خود دارد.

مهمترین و اصلی‌ترین کتاب دینی مندائیان *گنزاربا* (گنج بزرگ) است. مندائیان اعتقاد دارند که این کتاب به واسطه «هیبل زیوا» (که در *گنزاربا* از او با تعبیر «گبرائیل» [جبرئیل] یاد شده است) به آدم وحی شد و سپس به نوح و سام رسید و سرانجام در زمان یحیی مدون گشت. مندائیان فقط به نبوت همین اشخاص اعتقاد دارند و از آنها فرمان می‌برند. *گنزاربا* به دو بخش تقسیم می‌شود: «گنزای راست» که حجیم‌تر است، و «گنزای چپ». این دو بخش چپ‌نشین خاصی دارند: بخش اول از راست به چپ و بخش دوم از انتهای کتاب و از چپ به راست تنظیم شده است.^۹ شواهدی در برخی از متون مندائی هست که نشان می‌دهد دست‌کم تدوین بخش‌هایی از آنها به پس از ظهور اسلام بازمی‌گردد؛ مانند اشاره‌هایی به حمله عرب‌ها در *حران گوئیثا* و ذکر فهرست شاهان پارتی و ساسانی در *گنزاربا* که به خسرو پسر هرمز (خسرو پرویز) ختم می‌شود و در آن پیشگویی شده است که پس از شاهان ایرانی شاهان عرب خواهند آمد.^{۱۰}

امروزه شمار اندکی از مندائیان با خط و زبان اصلی متون خود آشنایند. یکی از شرایط بالاترین مقام روحانی در کیش مندائی خبرگی در خواندن و نوشتن زبان مندائی و توانایی در فهم درست متن کتاب *گنزاربا* و آموزش آن است. این شخص

۸. در موزه آبگینه تهران کاسه‌هایی سفالی متعلق به قرن ششم، به دست آمده از شوشتر، به نمایش گذاشته شده است که داخل آنها تماماً به خط مندائی است.

۹. برای اطلاعات بیشتر درباره متون مندائی، نک:

Drawer. 1953. "A Mandaean Bibliography", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No.1/2 (Apr., 1953); Rudolph, Kurt. 1974. "Mandaean Sources" in *Werner Foerster, Gnosis: A Selection of Gnostic Texts*, English translation edited by R. McL. Wilson (II. Coptic and Mandaean Sources), Oxford, pp.127-129.

۱۰. See *Encyclopedia Iranica*, s. v. "Madaeans: ii. The Mandaean Religion" (by Kurt Rudolph), April 7, 2008.

این متن به سکنی گزیدن صابئین مندائی در «نواحی غربی» اشاره شده است که محققان منظور از آن را بیت‌المقدس دانسته‌اند؛ جایی که یحیی‌ای تعمیردهنده به‌عنوان یکی از شخصیت‌های مهم آنان ظهور کرد. در *حران گوئیثا* همچنین به آزار و اذیت صابئین مندائی در بیت‌المقدس به دست یهودیان اشاره شده، که تاریخ آن را پیش از ویرانی بیت‌المقدس به دست تیتوس، امپراتور روم، در سال ۷۰ میلادی تخمین زده‌اند. این امر در نهایت به مهاجرت همه صابئین مندائی به «شرق» انجامید که زیر سلطه پارتیان بود. در این متن از حمایت شاهی پارتی به نام اردوان (اردبان) قدرانی شده است. پژوهشگران او را بیش از همه با آرتابانوس سوم (حدود ۳۸-۱۲م) انطباق داده‌اند. مندائیان، نخست به سرزمینی کوهستانی، که از آن به «حران گوئیثا» (حران داخلی) یاد شده است، مهاجرت کردند. این مهاجرت احتمالاً در قرن نخست میلادی رخ داده است و با توجه به اشاره به کوه‌هایی در این منطقه، برخی آن را با نواحی کوهستانی سرزمین ماد، در نواحی شمالی بین‌النهرین، منطبق دانسته‌اند. پس از مدتی، مندائیان، در حفاظت پارت‌ها، از این نواحی کوهستانی به سمت تالاب‌های جنوب بین‌النهرین (معروف به بطائح) مهاجرت کردند. دوره دوم تاریخ مندائیان با سکنی گزیدن آنها در این وطن جدید آغاز می‌شود. در اینجا آنها در احاطه سنت‌های محلی، عمدتاً بابلی، ایرانی و مسیحیت شرقی (به‌ویژه نسطوری) قرار گرفتند. به‌گفته منابع مندائی، آنان در دوران پارتیان عبادتگاه‌های فراوانی در وطن جدیدشان ساختند، اما زمانی که ساسانیان بر پارتیان غلبه کردند، بسیاری از عبادتگاه‌های شان ویران شد؛ به‌ویژه در قرن سوم میلادی، هنگامی که دین زردشتی دین رسمی پادشاهی ایران شد.^۷ متون مندائی کنونی به خط و زبان مندائی و برگرفته از زبان آرامی شرقی است که به پیش از قرن سوم میلادی بازمی‌گردد.^۸

۷. See Drawer, *Madaeans*, pp.259-263; Gündüz, *Knowledge of Life*, pp.62-70, 233-234;

تقی‌زاده، حسن. ۱۳۴۱. «یک عادت قدیمی ایرانی که در نزد ملت غیرایرانی محفوظ مانده»، ترجمه احمد آرام، در *بیست مقاله*، تهران، صص ۱۴۸-۱۴۲؛ مرانی، ناجیه. ۱۹۸۱. *مفاهیم صابئیه مندائیه: تاریخ، دین، لفة*، بغداد، صص ۶۷-۶۳. در *آثار الباقیه ابوریحان بیرونی* نیز ردی از مهاجرت صابئین مندائی از بیت‌المقدس به بین‌النهرین می‌توان یافت. نک: ابوریحان بیرونی. ۱۹۲۳. *آثار الباقیه عن القرون الخالیة*، تصحیح ادوارد زاخو، لایپزیگ، صص ۳۱۸.

به اعتقاد مندائیان، برای رستگاری، به اجرای مناسک و شعائر نیاز است.

«گنبر» یا «گنُورا» (گنجور) خوانده می‌شود. اجرای برخی از شعائر مندائی بدون حضور او ممکن نیست. در مرتبه پایین‌تر از او «ترمیده» یا «ترمیدا» است که با زبان مندائی آشنایی دارد و کمک‌کار اجرای مناسک دینی است.^{۱۱}

جهان‌شناسی

جهان‌شناسی صابئین مندائی عناصر مهمی از جهان‌شناسی گنوسی را در خود دارد.^{۱۲} مطابق این جهان‌شناسی، هستی عرصه جهان روشنایی و جهان تاریکی است. در اوج جهان روشنایی وجودی متعالی به نام «هیتیه» یا «هیتی» (به معنای حیات) قرار گرفته است. اطراف او را موجودات نورانی بی‌شماری به نام «ملکا» (ملک یا فرشته) در بر گرفته‌اند که به ستایش او مشغول‌اند. نخستین آفریده‌ها پنج ملک مقرب در پنج روز نخست آفرینش بوده‌اند. «مندا ادهی» از مهمترین موجودات نورانی است. هیپیل زیوا نیز که وظیفه انتقال وحی را به عهده دارد، یکی دیگر از این موجودات است. به باور مندائیان، جهان موجودات والا طی مراحل مختلف که هر کدام چندین هزار سال طول کشیده، از «هیتی» سریان یافته است. به همین شیوه، جهان تاریکی نیز از آب‌های سیاه نشأت گرفته است. شاه جهان تاریکی موجودی به نام «اُور» است که از موجودی به نام «روها» پدید آمده است. از هم‌خوابگی روها با اور موجودات شریر مختلفی، از جمله هفت سیاره و دوازده صورت فلکی، متولد شده‌اند. در میان این دو جهان روشنایی و تاریکی، که از شمال به جنوب کیهانی گسترش یافته است، جهان خاکستری

قرار دارد، که محل سکونت انسان‌ها است. برای مقابله با موجودات جهان تاریکی، هیپیل زیوا به جهان آنها، که در طبقات مختلف زیر زمین قرار دارد، فرستاده شد. در آنجا، با دخالت روها، دخترش از هیپیل زیوا صاحب فرزندی به نام «پناهیل» شد که موجودی با دو منشأ روشن و تاریک گردید. هیپیل زیوا او را از جهان تاریکی بیرون آورد و در شمار لشکر روشنایی درآورد. پناهیل در پدید آوردن جهان مادی و نیز جسم مادی آدم، نخستین انسان، به هیپیل زیوا کمک کرد. اما نفس اصیل انسان (نَشْمَتا) از جهان روشنایی به جسم مادی او هبوط کرده بود. نفس انسان نامیراست و پس از مرگ او از جسم مادی اش رها می‌گردد و بسته به اعمال نیک یا بدش به جهان روشنایی یا تاریکی فرستاده می‌شود. از آدم، حوا پدید آمد و از آن دو، سه پسر به نام «هیپیل» (هاییل)، «شیتیل» (شیت) و «آنوش» و سه دختر متولد شد. شصت موجود غیرمادی به همراه خانواده‌شان از جهان روشنایی به زمین آمدند تا با ازدواج با فرزندان آدم و حوا نخستین جامعه انسانی را پدید آورند. این جامعه انسانی در طول تاریخ مراحل مختلفی را گذرانده که هر کدام سرانجام به فاجعه‌ای جهانی انجامیده و از هر فاجعه فقط یک زوج جان به در برده است. آخرین فاجعه طوفان نوح بوده است که از آن فقط «نوح» (نوح) و همسرش و فرزندشان «شوم» (سام) باقی ماندند و از آنها اقوام و زبان‌ها و دین‌های مختلف پدید آمد. مندائیان خود را از نسل سام می‌دانند.^{۱۳}

مناسک

به اعتقاد مندائیان، برای رستگاری، به اجرای مناسک و شعائر نیاز است. در کیش مندائی، آب جاری رمزی از حیات اعظم (هیتی) است و تعمید برای رستگار شدن و صعود به جهان روشنایی، نقش کلیدی دارد. مناسک تعمید مندائی در محلی به نام «مندی» یا «بیت مند» برگزار می‌شود. مندی کلبه گلی کوچکی است با حوضچه‌ای در مقابلش که در آن آب جاری است. از آنجا که تعمید مندائی باید در آب جاری برگزار شود، مندی همواره نزدیک رودخانه ساخته می‌شود و در صورت نبود

۱۱. نک. رومی عکله ناشی، غضبان. ۱۹۸۳. الصابئة: بحث اجتماعي تاريخي ديني عن الصابئة، بغداد، صص ۱۳۶-۱۳۴.

۱۲. خود لفظ «مندا» به معنای «معرفت» است که می‌تواند اشاره‌ای به جنبه گنوستیک آن باشد. به اعتقاد مندائیان، برای رستگاری، در کنار اجرای مناسک و شعائر، به کسب معرفت (مندا) نیاز است.

۱۳. نک: عربستانی، مهرداد. ۱۳۸۷. تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران، تهران، صص ۲۲-۱۶، ۷۰-۴۱؛ فروزنده، مسعود. ۱۳۷۷. تحقیقی در دین صابئین مندائی با تکیه بر متون مندائی، تهران، صص ۲۰۸-۱۸۵.





ابن حزم صابئین را از قدیمی‌ترین ادیان دانسته است.

اینکه وی بعدها آیین دیگری را بنیاد نهاد.^{۲۱}

ابن ندیم در جایی دیگر از کتاب الفهرست خود، ابن صابئین ساکن در بطائح را صابئین راستین به شمار می‌آورد و آنان را از صابئین حران (شهری کهن در آسیای صغیر، در مرز ترکیه و سوریه) متمایز می‌کند. این تفکیک که در آثار دیگر در قرن چهارم هجری نیز نمود یافته است، بعدها معیاری مهم در شناخت و داوری درباره صابئین مندائی گردید. مبنای سخن ابن ندیم حکایتی است که بر اساس آن، مأمون به قصد حمله به شهرهای روم، در نزدیکی حران با استقبال مردم مواجه شد و در میان آنها گروهی بودند که بالاپوش و موهای بلند داشتند. مأمون از آنها پرسید که آیا آنان اهل ذمه‌اند؟ آنها فقط گفتند حرانی‌اند. از کتاب‌شان پرسید، پاسخ روشنی ندادند. مأمون آنها را از جمله زندیقان و بت‌پرستان زمان پدرش هارون‌الرشید دانست و خون‌شان را حلال شمرد. آنها گفتند جزیه می‌دهند. مأمون جزیه را مخصوص اهل کتاب دانست و به آنها تا زمان بازگشت خود فرصت داد که یا مسلمان شوند یا به یکی از ادیان اهل کتاب درآیند و جزیه دهند. آنها ظاهر خود را تغییر دادند و بسیاری از آنان مسیحی شدند و گروهی هم مسلمان گشتند و مابقی به حال خود ماندند. تا اینکه عالمی از اهل حران در برابر دریافت مال بسیار به آنان پیشنهاد داد خود را صابئی معرفی کنند. مأمون در همین سفر درگذشت و این نام از آن زمان بر آنان ماند. با شنیدن خبر مرگ مأمون، بیشتر آنان که مسیحی شده بودند به آیین خود و همان ظاهر پیشین بازگشتند، اما آنان که مسلمان شده بودند به سبب قوانین ارتداد نتوانستند از دین جدید برگردند، و از این رو ظاهر اسلام را حفظ کردند.^{۲۲}

۲۱. ابن ندیم، همان، ج ۲/۱، صص ۳۸۰-۳۷۹.

۲۲. ابن ندیم، الفهرست، ج ۲/۱، صص ۳۶۴-۳۶۲. حران در زمان خلافت عباسی به یکی از مراکز علمی تمدن اسلامی مبدل شد و شماری از حرانیان به سبب دانش و مهارت‌شان در طب و نجوم و سایر علوم به دربار خلفای عباسی راه یافتند و در نهضت ترجمه تأثیرگذار شدند. مشهورترین آنها دو خاندان صابی بودند که در رأس یکی ثابت بن قره و در رأس دیگری

صابئی گفته‌اند؛ گاه به کسانی که خارج از دین‌های شناخته‌شده یهودی، مسیحی و مجوس بوده‌اند صابئی اطلاق شده است؛ گاه کسانی را چنین خوانده‌اند که به خدا ایمان داشته‌اند اما وجود پیامبر را ضروری نمی‌دانستند؛ و گاه حتی مصداق صابئین را حنفا دانسته‌اند. این لفظ را درباره گروه‌هایی در زمان یونان باستان، ایران باستان و روم باستان نیز به کار برده‌اند. بی‌سبب نیست که ابن حزم صابئین را از قدیمی‌ترین ادیان دانسته است.^{۱۸} صابئین مندائی معاصر نیز خود بر این باورند؛ چرا که طبق آنچه در متون مقدس‌شان آمده، تمام انسان‌ها از زمان آدم تا نوح بر کیش مندائی بوده‌اند و همه یک زبان، یک آیین و یک طریقه داشته‌اند، اما پس از نوح، در زمان سام اندک‌اندک اختلاف‌ها و افتراق‌ها پدید آمد.^{۱۹}

یکی از کهن‌ترین اشارات در متون اسلامی که محققان آن را با صابئین مندائی تطبیق داده‌اند، سخن ابن ندیم درباره قومی به نام «مغتسله» (غسل‌کنندگان) است. ابن ندیم به شمار فراوان آنان در نواحی بطائح اشاره می‌کند و آنان را «صابئه بطائح» می‌خواند. بطائح تالاب‌های جنوب بین‌النهرین بوده که بر منطقه سواد عراق در نزدیکی شهر واسط منطبق است. ابن ندیم می‌نویسد آنان این نام را از آن رو گرفته بودند که اهل غسل کردن بودند و همه خوراکی‌های خود را می‌شستند. به گفته او، آنان در اعتقاد به وجود دو اصل ازلی با مانویان هم‌رأی بودند.^{۲۰} ابن ندیم بار دیگر، هنگام ذکر ماجرای مانی، از مغتسله یاد می‌کند و می‌نویسد پدر مانی پس از دریافت پیام هاتف غیبی، از معبد بت‌ها خارج شد و به قومی معروف به مغتسله در دشت میسان (میشان) پیوست. ابن ندیم می‌نویسد بقایای آنها در همان ناحیه و نیز در بطائح تا زمان خود او باقی بوده است. قابل توجه اینکه دشت میشان جایی در خوزستان کنونی است و مندائیان ایرانی از قدیم ساکن خوزستان بوده‌اند. به روایت ابن ندیم، پدر مانی او را بر همین مسلک مغتسله بزرگ کرد تا

۱۸. ابن حزم. بی‌تا. الفصل فی الملل والاهواء والنحل، تحقیق محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمن عمیره، بیروت، ج ۱، ص ۸۸. برای تاریخچه، دسته‌بندی و سوابق این عنوان‌ها، نک: خندق‌آبادی، حسین. «صابئین»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۹.

۱۹. نک: توضیحات آقای پحیلی در: پورکاظم، حاج کاظم. ۱۳۷۷. صابئین یا یادگاران آدم، سوسنگرد، ص ۱۳۴.

۲۰. ابن ندیم. ۱۴۳۰. کتاب الفهرست، تحقیق ایمن فؤاد سید، لندن، ج ۲/۱، ص ۴۱۱.

در اواخر دوره صفویه، مندائیان عراق به خرمشهر کوچ کردند.

نظر به همین تفکیک میان صابئین راستین (بطائح) و صابئین دروغین (حران)، ریشه‌شناسی دیگر لفظ «صابئی» اهمیت می‌یابد. به نظر برخی از محققان، ریشه واژه صابئی به کلمه‌ای آرامی به معنای غسل و تعمید برمی‌گردد.^{۲۳} مورخان توجه داده‌اند که هم بطائح عراق و هم دشت میشان ایران، به‌خلاف حران، هر دو در کنار آب‌های جاری بوده‌اند و طبیعتاً محل مناسب‌تری برای سکناي صابئین مندائی بوده‌اند.

تفکیک میان صابئین بطائح و صابئین حران در تفسیر آیاتی از قرآن که در آنها به صابئین اشاره شده است نیز محل توجه مفسران بوده است. در سه آیه از قرآن (بقره: ۶۲؛ مائده: ۶۹؛ حج: ۱۷) به صراحت به صابئین در کنار یهود و نصاری و مجوس اشاره شده است. مفسران بسته به اینکه مقصود از صابئین در این آیات را ساکنان حران دانسته باشند یا ساکنان بطائح، رأی‌شان درباره آنها مختلف شده است. در میان اهل سنت، برخی مانند ابوالحسن کرخی و ابوحنیفه، آنها را در حکم مسیحیان و از اهل کتاب دانسته‌اند. برخی مانند ابن عباس، مجاهد، حسن بصری و مالک بن انس، آنها را همچون زردشتیان از جمله کسانی دانسته‌اند که شبهه اهل کتاب بودن درباره آنها هست و از همین رو گفته‌اند از آنها جزیه گرفته می‌شود، اما ذبایح آنها را نمی‌توان خورد و با زنان‌شان نمی‌توان ازدواج کرد. اما برخی دیگر آنها را به‌طور کلی از زمره اهل کتاب خارج دانسته‌اند.^{۲۴} با این حال، آنچه در عمل اتفاق افتاده این است که در زمان خلفا

ابراهیم بن زهرون قرار داشت. برخی از آنان مانند ثابت بن قره و ابوהלلال صابی همچنان بر مذهب خود باقی ماندند، و برخی دیگر به اجبار یا به رغبت اسلام آوردند و در نهایت همه مسلمان شدند.

۲۳. See Jeffery, Arthur. 2007. *The Foreign Vocabulary of the Qur'ān*, Leiden and Boston, pp.191-192.

۲۴. نک: طبری، محمد بن جریر. ۱۳۷۳. *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، مصر، ذیل بقره: ۶۲؛ ماوردی، علی بن محمد. ۱۴۰۹. *کتاب الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة*، تحقیق احمد مبارک بغدادی، کویت، ص ۱۸۲؛ ابن قیم جوزیه. ۱۹۸۳. *احکام اهل الذمة*، تحقیق صبحی صالح، بیروت، قسم اول، صص ۹۴-۹۲، ۹۹.

از صابئین در کنار یهودیان و مسیحیان و زردشتیان، جزیه گرفته می‌شده است.^{۲۵}

در میان عالمان متقدم شیعه، گذشته از ابن جنید که جزیه گرفتن از صابئین را جایز می‌شمارد، تقریباً همه عالمان متقدم مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، دریافت جزیه را شامل آنان ندانسته‌اند، چرا که اعتقاد آنها را نه به زردشتیان نزدیک دانسته‌اند و نه به فرقه‌های مختلف مسیحی.^{۲۶} در عین حال، بنابر قاعده‌ای فقهی، گفته‌اند که اگر قومی خود را اهل کتاب معرفی کند و جزیه دهد، ادعای آنان تا وقتی دلیل نقض قطعی پیدا نشده پذیرفته است.^{۲۷}

حضور اجتماعی در عراق

در عراق، انتشار کتاب *الصابئة قديماً وحديثاً* از نویسنده‌ای عراقی به نام عبدالرزاق حسنی (قاهره: ۱۹۲۵م) که در آن ریشه عقاید مندائیان را در ستاره‌پرستی صابئین حران دانسته بود، خشم صابئین مندائی عراقی را برانگیخت و سبب شد سکوت خود را در نهان نگاه داشتن عقاید و متون خود بشکنند.^{۲۸} رهبر وقت صابئین عراق از حسنی در دادگاه شکایت کرد و به‌استناد فقراتی از کتاب *گنزر باربا* گرایش توحیدی آیین خود را نشان داد. در نهایت، دادگاه به سود او حکم داد. البته حسنی بعدها کتاب خود را دوباره با عنوان *الصابئون فی حاضرهم و ماضیهم* منتشر و از کلیت نظریه خود دفاع کرد.

به هر حال، در عراق، نهایتاً صابئین مندائی در قانون به رسمیت شناخته شدند و رهبر و اعیاد رسمی آنها محترم دانسته شد. با کوچ رهبر مندائیان در نیمه دوم قرن بیستم از ناصریه به بغداد، جمعیت مندائیان بیش از همه در بغداد متمرکز شد. مندائیان

۲۵. نک: ابویوسف القاضی، یعقوب بن ابراهیم. ۱۳۹۹. *کتاب الخراج*، بیروت، صص ۱۲۴-۱۲۲.

۲۶. نک: مفید، محمد بن محمد. ۱۴۳۱. *المقنعه*، قم، صص ۲۷۱-۲۷۰؛ طوسی، محمد بن حسن. بی‌تا. *المبسوط فی فقه الامامیة*، تحقیق سید محمدتقی کشفی، بیروت، ج ۲، ص ۳۶.

۲۷. نک: طوسی، همان، ج ۲، ص ۲۷.

۲۸. برخی از آثاری که به قلم خود مندائیان عراقی به عربی نگاشته شده، عبارت است از: زهیری، عبدالفتاح. بی‌تا. *الموجز فی تاریخ صابئة المندائیین العرب البائدة*، بی‌جا؛ غضبان رومی. ۱۹۸۳. *الصابئة: بحث اجتماعی تاریخی دینی عن الصابئة*، بغداد؛ ترجمه عربی کتاب مهم لیدی دراور با عنوان *الصابئة المندائیین*، به‌همراه مقدمه‌ای از نعیم بدوی و غضبان رومی (بغداد: ۱۹۸۷).

عراق چندین نهاد اجتماعی رسمی تشکیل داده‌اند، از جمله «مجلس عموم» که در حکم مجلس قانونگذاری مندائیان است، «مجلس شئون» برای اداره امور رفاهی، و «مجلس روحانی» برای اجرای امور معنوی.^{۲۹} طبق گزارشی، گنزرای مندائیان عراق در ۱۳۷۶ش (۱۹۹۷م) شیخ عبدالله نجم بوده است.^{۳۰} گورستان مندائیان عراق در محلی نزدیک به نهر ابوغریب است.

حضور اجتماعی در ایران

در ایران، بعد از غلبه مشعشعیان (حک: ۹۱۴-۸۴۵ق)، مندائیان به سبب تعصب مذهبی مشعشعیان ناگزیر کانون دینی خود را از هویزه به شوشتر در کنار کارون منتقل کردند. در اواخر دوره صفویه، مندائیان عراق به سبب آزار و اذیت حاکمان عثمانی در مقابل طرفداری آنها از حکومت صفویه، به خرمشهر (محمیره) کوچ کردند. بعدها با آبادانی اهواز، مندائیان ایران نیز از شوشتر به اهواز رفتند و خرمشهر و اهواز دو کانون مهم حضور مندائیان شد. در دوره مشروطه، در اثر غفلت حکام محلی و نیز اصرار پیشوایان مندائی به پنهان نگاه داشتن عقاید و احکام خود، مندائیان از حق تعیین نماینده در مجلس محروم ماندند.^{۳۱}

در مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، در نهایت صابئین مندائی به عنوان شاخه‌ای از یهودیت یا مسیحیت در نظر گرفته شدند و از این رو، به صراحت نامی از آنها در اصل ۱۳ قانون اساسی در کنار ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان اقلیت‌های رسمی شناخته شده برده نشد. آیت‌الله منتظری معتقد بود اگر ثابت شود که صابئین در اصل اهل کتاب بوده‌اند، اعتقاد آنها به عقاید فاسدی که احتمال شرک در آنها هست سبب خروج آنها از اهل کتاب بودن نمی‌شود، چنانکه اعتقاد مسیحیان به اقا نیم سه گانه سبب خروج آنها از این حکم نمی‌شود. اگر هم ثابت نشود، احوط آن است که برای

۲۹. نک: شهید الطائی، صادق. ۲۰۱۱. سحر الفضة سر الماء: دراسة انثروبولوجية لطائفة الصابئة فی العراق، قاهره، صص ۲۱۹-۲۱۷؛ فلیح حسن، صالح. ۱۹۷۹. «الصابئة دراسة جغرافية»، مجلة الآداب، كلية الآداب، جامعة بغداد، ش ۲۵، شباط ۱۹۷۹، صص ۱۳۹-۱۳۳.

۳۰. عمار حماده، محمد. ۱۹۹۸. تاریخ الصابئة المندائیین، دمشق، ص ۸۰.

۳۱. محیط طباطبایی، محمد. «درآمدی بر کتاب»، قوم از یاد رفته، نوشته سلیم برنجی، ص ۱۲.

در مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، صابئین مندائی به عنوان شاخه‌ای از یهودیت یا مسیحیت در نظر گرفته شدند.

تحقیق درباره آنها به علما و کتاب‌های شان رجوع شود. منتظری می‌نویسد که خود وی در پی صحبت با عالمان صابئی اهواز عقاید توحیدی آنها را تصدیق کرده است.^{۳۲} با این حال، می‌افزاید که حتی اگر همچنان تردیدی باقی باشد، احوط پذیرش اقرار آنها و قبول جزیه از آنان است.^{۳۳} آیت‌الله خامنه‌ای نیز با ادله‌ای شبیه به آنچه آیت‌الله منتظری بر شمرده، به اهل کتاب دانستن صابئین مندائی حکم داده است.^{۳۴} تقریر مطالب درس خارج ایشان در این باره ابتدا در مجله فقه اهل بیت (زمستان ۱۳۷۵، ش ۸؛ بهار ۱۳۷۶، ش ۹) به فارسی، و سپس به عربی در قالب کتابی با عنوان *الصابئة: حکمهم الشرعی و حقیقتهم الدینیة* (بیروت ۱۹۹۹) منتشر شد. رأی آیت‌الله منتظری و به خصوص آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه، که هر دو هنگامی که در منصب حکومتی بودند آن را ابراز کردند، در گشایش احوال اجتماعی مندائیان ایران مؤثر بوده است.^{۳۵}

در حال حاضر، اهواز به سبب حضور روحانیان مندائی، نزد مندائیان مرکزیت یافته است. عبدالجبار چھیلی (طاووسی)، گنزرای مندائیان ایران، در ۱۳۹۳ش در ۹۱ سالگی در اهواز درگذشت. مندائیان ایران به زبان عربی و فارسی صحبت

۳۲. مندائیان معاصر ساکن ایران و عراق خود را همان قوم مهاجر از مصر و فلسطین می‌دانند که به شمال سوریه و از آنجا به بین‌النهرین و ایران رفته‌اند. اگرچه در دوره‌ای در حران نیز سکونت گزیده بودند، اما خود را کاملاً مستقل از حرانیان و معتقد به خدایی یگانه و دارای کتابی آسمانی می‌دانند. از این رو، آنها خود را مصداق صابئین مذکور در قرآن می‌دانند. نک: مقدمه نعیم بدوی و غضبان رومی بر ترجمه کتاب *الصابئة المندائیین*، نوشته لیدی دراور، (صص ۱۶-۱۵، ۱۸).

۳۳. نک: منتظری، حسینعلی. ۱۴۱۱. *دراسات فی ولاية الفقیه وفقه الدولة الاسلامیة*، قم، ج ۳، صص ۴۱۲-۳۹۲.

۳۴. الخامنئی، سید علی. ۱۴۲۵. *اجوبة الاستفتاءات*، بیروت، ج ۱، مسأله ۳۱۵.

۳۵. البته از آرای تفسیری و فتاوی فقهی که بگذریم، بحث درباره معنا و مصداق «صابئین» در قرآن و نسبت آن با مندائیان کنونی همچنان در میان محققان رواج دارد. نک: خندق آبادی، «صابئین: مندائیان».

می‌کنند. آنها برای دفن مردگان خود گورستان جداگانه‌ای در اهواز دارند. از تشکلهای رسمی صابئین مندائی در ایران، انجمن صابئین است که از ۱۳۴۹ش رسماً فعالیت

خود را آغاز کرده است.^{۳۶} مندائیان ایران ماهنامه‌ای جنگ‌مانند به نام بیت-مندا دارند که رویدادهای داخلی جامعه آنها در آن بازتاب می‌یابد.

حضور مندائیان در ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین ادیانی که همچنان خط و زبان و متون خود را حفظ کرده است، فرصت مغتنمی برای تحقیقات دین‌شناختی و به خصوص مردم‌شناختی برای محققان دانشگاهی فراهم کرده است. در سال‌های اخیر چندین بررسی مردم‌شناختی درباره مندائیان به زبان فارسی صورت گرفته و برخی از آنها به تأیید روحانیان مندائی نیز رسیده است؛ از جمله کتاب *صابئین ایران زمین*، به فارسی و انگلیسی، از مسعود فروزنده و آلن برونه (تهران: ۱۳۷۹ش)، که به خصوص به دلیل تصاویرش اهمیت دارد؛ *تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران* از مهرداد عربستانی (تهران: ۱۳۸۷ش)؛ *صابئین راستین* از عادل شیرالی (تهران: ۱۳۸۹ش) و مقاله وی در جلد بیستم *تاریخ جامع ایران* (تهران: ۱۳۹۳). همچنین مدتی است که خود مندائیان ایرانی، با توجه به وجود برخی سوءفهم‌ها درباره آیین‌شان، آثاری درباره کیش خود به فارسی انتشار عمومی داده‌اند؛ از جمله *قوم از یادرفته: کاوشی درباره قوم صابئین مندائی*، از سلیم برنجی (تهران: ۱۳۶۷ش) و *آیا صابئین مندایی را می‌شناسید؟* از ساهی خمیسی (زهرونی) (تهران: ۱۳۹۴).

پراکندگی جمعیت

همانطور که در آغاز اشاره شد، مندائیان از کیش‌های قومی‌اند که به‌رغم شمار اندک‌شان فقط با هم‌کیشان خود ازدواج می‌کنند. اگر کسی از مندائیان با غیرمندائی ازدواج کند از کیش مندائی خارج می‌شود.^{۳۷} از این رو، جنبه‌های تبلیغی دینی برای

منتظری، در پی صحبت با عالمان صابئی اهواز عقاید توحیدی آنها را تصدیق کرده است.

دعوت دیگران به کیش خود در آنها وجود ندارد و بنابراین رشد جمعیتی زیادی ندارند.

از جمعیت مندائیان آمار دقیقی در دست نیست. بر اساس آمار رسمی حکومت

عراق در ۱۳۲۶ش (۱۹۴۷م) جمعیت مندائیان عراق ۶۵۹۷ نفر بوده است. جمعیت مندائیان ایران در همان سال حدود ۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. بنابراین تخمینی مربوط به سال ۱۳۵۶ش (۱۹۷۸م) کل جمعیت مندائیان متشکل از حدود پانزده هزار نفر بوده است.^{۳۸} طبق گزارشی، جمعیت مندائیان ساکن عراق از پنجاه تا هفتاد هزار نفر تا پیش از ۲۰۰۳م (۱۳۸۲ش)، به حدود ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر در ۲۰۱۳م رسیده است.^{۳۹} به دلایل مختلف، از جمله حاکمیت رژیم صدام، جنگ عراق با ایران، حمله آمریکا به عراق و نیز فشار نیروهای داعش، بیشتر مندائیان امروزه به استرالیا، سوئد، آلمان، هلند، آمریکا و کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. در حال حاضر، بیشترین جمعیت مندائی، شامل حدود ۱۰ هزار نفر، در سوئد، ساکن‌اند. اتحادیه جمعیت‌های مندائی (اتحاد الجمعیات المندائیه فی المهجر)^{۴۰} در سال‌های اخیر برای هماهنگی میان گروه‌ها و تشکلهای مختلف مندائی در سرتاسر جهان شکل گرفته است.

۳۸. Gündüz, *Knowledge of Life*, p.1.

۳۹. Zoonen, Dave van; Wirya, Khogir. 2017. *The Sabean-Mandaeans Perceptions of Reconciliation and Conflict*, Erbil, p.5.

۴۰. The Mandaean Association Union: www.mandaeunion.org/ar.

۳۶. نک: عربستانی، تعمیدیان غریب، صص ۲۲۶-۲۲۱.

۳۷. Drawer, *Mandaeans*, pp.1, 59-71.